فصل چهارم

تأکید بر ادای زکات و فضائل آن

زکات یکی از مهمترین ارکانِ اسلام است.خداوند متعال در کلام پاك خود مطابق با قول مشهور در هشتاد و دو جا، همراه با نماز حکم زکات را فرموده اند و آن جاهائیکه فقط حکم زکات آمده است بغیر از اینها می باشد.

ارشاد مشهور رسول اکرمﷺ است که پایه و اساس اسلام برپنج چیزاست:
(۱)-اقرارکلمه‌طیّبه. (۲)-نماز. (۳)-زکات. (٤)-روزه. (٥)-حج.

در حدیثی آمده است: خداوند متعال نماز آن شخصی را که زکات خود را اداء نکند قبول نمی کند. چون خداوند متعال (در قرآن مجید) آنرا با نماز در یك جا بیان فرموده اند پس در میان این دو فرق نگذارید.(کنز)

علماء براین اتّفاق دارند که اگر کسی یکی از این دو را انکار بکند او کافر می‌شود. همین پنج چیز بنیاد اسلام و از مهمترین عبادات هستند، گویا مدار اسلام به این چیزها وابسته است امّا اگر با دقّت فکر کرده شود خلاصه این است که بعد از اقرار بندگی، حاضر شدن در حضور خداوند متعال به دو صورت انجام می گیرد:

اوّل: حضور روحانی است که آن به ذریعهٔ نماز می باشد، به همین خاطرِ ارشاد رسول اکرمﷺ است که نماز گذار با خداوند متعال سخن می گوید. به همین علّت، آن را معراج مؤمنین می گویند و این حاضر شدن، موقع پیش کردن حاجات و ضروریات هر وقت خود در بارگاه مالك است چون احتیاجات و ضروریات، برای انسان هر وقت بوجود می آید و باید آنرا در حضور خداوند متعال پیش کند به همین خاطر این مطلب در احادیث زیادی آمده است که رسول اکرمﷺ و تمامی انبیاءعلیهم الصلوت والسلام را وقتی حاجتی پیش می آمد به طرف نماز متوجّه می شدند و در

این حاضر شدن بعداز حمد و ثناء از طرف بنده درخواست کمك است و ازطرف خداوند متعال وعدهٔ عطاء کردن است، همانطور که در احادیث، در تفسیر سورهٔ فاتحه، این بطور واضح بیان شده است. به همین خاطر (وقتی که) برای نماز دعوت داده می‌شود که بسوی نماز بیایید به همراه آن اعلام می شود که بسوی رستگاری بیایید یعنی: برای کامیابی هر دو جهان بیایید و در تأیید این مطلب احادیث زیادی وجود دارد، در عوضِ نماز، کامیابی و رستگاری هر دو جهان از بارگاه مولیٰ و آقا می‌رسد، دین و دنیا هر دو داده می شود به همین خاطر گویا زکات تکمیل کننده و تمام کنندهٔ آن است یعنی آنچه از بارگاه ما عطاء شد، از آن یك مقدار خیلی کم (دو و نیم در صد) به فقیرانی که نام ما را می گیرند بدهید گویا شکرانه ای است، در عوض آن چیز هایی که خداوند کریم به ما داده است، و از نظر عقل و فطرت هم قابل قبول است و این یك چیز عادی است که آنچه از دربار بخشیده می شود، به نوکران دربار هم چیزی داده می شود، به همین سبب در قرآن مجید هر جا حکم نماز می آید بعد ازآن اکثر حکم زکات هم آمده است یعنی به ذریعهٔ نماز بخواهید و بگیرید سپس آنچه را بدست آوردید کمی ازآن را به کسانی که نام ما را می‌گیرند، بدهید. بعد از این بخشش، احسان دیگر این است که بر ادای این مقدار کم نیز جداگانه اجر و ثواب می رسد. و وعدهٔ بخششهای زیادی است.

دوّم حضور جسمانی: حاضر شدن درخانهٔ محبوب است و آن را حج می گویند؛ چونکه در آن مشقّت جانی و مالی می باشد به همین خاطر در صورت توانایی داشتن در تمام عمر یکبار حاضر شدن فرض قرار داده شده است. و برای حاضر شدن در آنجا نیاز به این است که چند روزی را روزه بگیرند تا از گناهان پاك شوند زیرا پایهٔ تمام گناهان شکم و شرمگاه است چند روز با تلاش و کوشش حفاظت آنها را بکنند تا شایستگی حاضر شدن در آنجا پیدا شوند، به همین خاطر، به محض تمام شدن ماه مبارك رمضان ایّام حج شروع می شوند بنابر این مصلحت، فقهای کرام به همین ترتیب این عبادات را در کتابهای خود ذکر فرموده اند. علاوه بر این، وجود داشتن فوائد دیگری در روزه، خلاف این فایده ها نیست.

وعید های زیادی درآیات قرآنی دربارهٔ خرج نکردن مال آمده است. بعضی از

آنها در فصل سوّم گذشته است، درنزد اکثر علماء، این آیات در بارۂ اداء نکردن زکات نازل شده است و این ظاهر است که ذکر کردن تمام آن آیات و احادیث مشکل است بطور نمونه چند آیه و چند حدیث در این مورد ذکر کرده می شود. برای مسلمان یك آیه یا یك ارشاد رسول اکرمﷺ هم کافی است و کسی که فقط نام او مسلمان است برای او تمام قرآن مجید و تمامی کتب حدیث هم بی فائده است. برای شخص فرمانبردار یك بار دانستن که این حکم مولای من می باشد کافی است و برای کسی که نافرمانی می کند هزار تنبیه هم بی فائده است، تا وقتی که عذاب برسرش نیاید نمی فهمد.

آیات

(۱) وَ اَ قِيمُوا الصَّلٰوةَ وَ اٰتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوْ ا مَعَ الرّٰاكِعِيْنَ ـ (بقره ـ رکوع ۵ ـ آیه ۴۳)

برپادارید نماز را و بدهید زکات را و عاجزی کنید با عاجزی کنندگان یا (رکوع کنید با رکوع کنند گان)ـ

توضیح: حضرت مولانا تهانویؒ می نویسند، در فروع دین اعمال بر دو قسم هستند: اعمال ظاهری، اعمال باطنی. سپس اعمال ظاهری بر دو قسم هستند: عبادات بدنی، عبادات مالی. پس اینها سه کلیّات شدند درآیۂ مبارکه از این سه کلیّات یك یك جزءِ را بیان کرده اند. نماز عبادت بدنی و زکات عبادت مالی است. خضوع و خشوع عبادت باطنی است. چونکه در تواضع باطنی، همراهی با اهل تواضع فائدۂ زیاد و تاثیر بسیاری دا رد، برای همین اضافه کردن لفظ ﴿مَعَ الرّٰاكِعِين﴾ خیلی مناسب است.(بیان القرآن)

موافق این قول مراد از رکوع، خشوع و خضوع است و امور بسیار لطیفی از این آیۂ مبارکه ظاهر می شود.

(۱)ـ از تمام عبادات مهمترین عبادت نماز است و برای همین آنرا اوّل از همه ذکر کرده اند.

(۲)ـ در درجۂ دوّم زکات است به همین خاطر آن را در ردیف دوّم ذکر کرده اند.

(۳)ـ زکات شکرانۂ آن عطاها است، چنانکه که قبل از این بطور مفصّل بیان شد.

(٤)ـ برای اینکه در عبادات، عبادات بدنی بر عبادات مالی مقدّم هستند، به همین خاطر عبادات بدنی را اوّل و عبادات مالی را بعداً ذکر کرده اند.

(۵) به خاطراینکه در عبادات، صورت ظاهری آنها بر حقیقت باطنی مقدّم است به همین دلیل خشوع و خضوع را در درجهٔ سوّم آورده اند.

(٦)- برای حاصل کردن خشوع و خضوع، شرکت کردن در جماعت متواضعان اهمیّت زیادی دارد به همین سبب بزرگان قیام نمودن در خانقاه‌ها را مهمّ می‌دانند، زیرا با رفتن به خدمت این حضرات این صفت زود پیدا می شود.

(۷)- در هر سه قسم عبادات، عمل کردن با عموم مسلمانان خیلی مهمّ است، به همین خاطر در همه جا با صیغهٔ جمع ارشاد شده و از فکر کردن، نکته های دیگری حاصل می‌شود.

قول دوّم این است که مراد از رکوع، رکوع نماز است.آنچه شاه عبدالعزیز صاحب(قدس سرّه) در تفسیر عزیزی نوشته اند، خلاصه اش این است که نماز را همراه با نماز گذاران و با جماعت بخوانید. در این امر گویا تأکید بر نماز جماعت است زیرا نماز جماعت مخصوص این امّت است در ادیان دیگر نبود و این را با لفظ رکوع به این خاطر تعبیر و بیان کردند که در آیه های قبل دربارهٔ یهود ها بیان می شد و در نمازِ آنها رکوع نیست پس گویا به این طرف اشاره است که مانند مسلمانان نماز بخوانید.(تفسیرعزیزی)

خواندن نماز با جماعت از اهمیت زیادی برخوردار است، چنانکه در رساله "فضایل نماز" بیان آن با تفصیل گذشته است، حتّی که فقهاء، نماز بدون جماعت را ادای ناقص گفته اند.

(۲) وَرَحْمَتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاَكْتُبُهَا لِلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَ الَّذِيْنَ هُمْ بِاٰيٰتِنَا يُؤْمِنُوْنَ (اعراف- رکوع ۱۹- آیه ۱۰٦)

و رحمت من (چنان عام است که) تمام چیزها را در بر گرفته است. و آنرا برای آن افراد (بطور کامل و خصوصی) می‌نویسم که از خداوند متعال می ترسند و زکات می دهند و به آیات ما ایمان می‌آورند.

توضیح: از حضرت حسنؒ و حضرت قتادهؒ نقل شده است که رحمت خداوند در دنیا شامل هرکس است اگرچه نیك باشد یا بد، لیکن درآخرت مخصوص نیکوکاران است.یك اعرابی در مسجد آمده و نماز خوانده و دعا کرد ای خدا! بر من و محمّدﷺ رحمت فرما و هیچ کسی را با ما در رحمت خود شریك مکن.

رسول اکرمﷺ دعای او راشنیده فرمودند که: تو وسعت رحمت خداوند را تنگ کردی، خداوند متعال رحمت خود را صد قسمت فرموده یك قسمت آنرا در دنیا فرستاده و در تمام دنیا تقسیم کردند. به همین سبب تمامی مخلوقات، جنّها، انسانها و حیوانات بریکدیگر(و اهل و اولاد خود و بر بیگانگان) رحم می‌کنند و نود و نه قسمت آنرا نزد خود باقی گذاشته است. در حدیث دیگری آمده است که رحمت خداوند صد قسمت است که به سبب یك قسمت آن خلائق بر یکدیگر رحم میکنند به همین خاطر جانوران بر فرزندان خود رحم میکنند و خداوند متعال نو د ونه قسمت آن را برای روز قیامت گذاشته است. این مضمون در احادیث زیادی آمده است.(درمنثور)

چقدر جای خوشحالی و لطف است که، مادر با اولاد خود آنقدر محبّت میکند که به سبب رسیدن کمی رنج و مشقّت به آنها بی قرار می شود.پدر برفرزند خود مصیبت را دیده ناراحت می شود خویشان، عزیزان، شوهر و همسر، آشنا و بیگانه، اگر برکسی رنج و غم را ببینند ناراحت می شوند. تمام این چیزها در اثرآن رحمتی است که خداوند متعال در دل آنها قرار داده است. اگر تمام رحمتهای دنیا را جمع کنند یك صدم حصّهٔ آن رحمتی است که نود و نه حصّهٔ آن را خداوند متعال برای خود اختیار نموده است. توجّه نکردن به احکام آن ذات رحیم و بسیار مهربان چقدر بی‌غیرتی و ظلم است. اگر مادری بر فرزند خود مهربانی کند و آن فرزند به گفته‌های مادر توجّه نکند پس مادر چقدر رنجیده می شود. حال آنکه مهربانی مادر در مقابل لطف و مهربانی خداوند متعال چیزی نیست. برهمین مبنا بی توجهی به احکام خداوند متعال قیاس کرده شود. با این همه لطف و مهربانی خداوند متعال، نه تنها شُکر گذار نیستیم بلکه نسبت به احکام او بی توجّه هم هستیم

(۳) وَمَآ اٰتَيْتُمْ مِّنْ رِّبًا لِّيَرْبُوَا فِيٓ اَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوْا عِنْدَاللّٰهِ وَمَآ اٰتَيْتُمْ مِّنْ زَكٰوةٍ تُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ (روم- رکوع٤- آئه ٣٩)

هر آن چیزیکه شما از مال ربا به این اراده می دهید تا فائده حاصل شده، دراموال مردم سبب افزونی بگردد، چنین مالی درنزد خدا افزون نمی‌گردد و آنچه از قبیل زکات (وغیره) می دهید که از آن خشنودی خداوند متعال مقصود

باشد پس این اشخاص مال خود را نزد خداوند متعال افزون می یابند.

توضیح: مجاهدؒ می گوید: در دادن مال به نیّت افزون شدن همهٔ آن مالها شامل هستند که به این نیّت داده می شوند تا در عوض آنها مال بهتری برسد. یعنی فرق نمی کند که به نیّت امید خرج کند تا که در دنیا بهتر از آن برسد یا درآخرت بهتر و بیشتر برسد. زیرا همهٔ اینها در نیت و امید اضافه شدن شامل هستند به همین خاطر ربا و زکات را در یکجا ذکر کرده است. در روایت دیگری از مجاهدؒ نقل شده که مراد از این هدایا هستند.(درمنثور) یعنی هدیه ای به کسی به این نیت داده شود که در عوض آن بیشتر می دهد. بطور مثال کسی را به این نیّت به خانهٔ خود دعوت نموده تا فائده ای بیشتر از آن مقداری که در مهمانی برای او خرج کرده است حاصل کند. پولهایی که در عروسی (به داماد) داده می شوند در این شامل اند زیرا همه اینها به نیّت اضافه شدن خرج کرده می شوند. قانون همهٔ اینها یکی است نزد خداوند متعال همان چیز اضافه می شود که بخاطر خشنودی او خرج کرده شود.

حضرت سعید بن جُبَیرؒ می فرمایند: هدیه ای که به این نیّت داده شود که عوض آن در این دنیا بر سد، درآخرت هیچ ثوابی ندارد و این ظاهر است وقتی که به نیّت آخرت نداده، چرا به او ثوابی برسد. حضرت کعب قُرظِیؒ می فرمایند: اگر کسی، شخصی را به این نیّت چیزی بدهد که او در عوض، بیشتر از آن می‌دهد، آن چیز سبب افزون شدن در نزد خداوند نمی گردد. و هر شخصی مالی را فقط برای خشنودی خداوند متعال به کسی بدهد و از آن شخص امید هیچ عوض و پاداشی را نداشته باشد،همین مال است که نزد خداوند متعال افزون می گردد.(درمنثور)

بنابر این آنهایی که به کسی مال زکات و غیره می دهند و از او امید دارند که او همیشه مدیون احسان آنها باشد، آنها در ثواب خود به سبب این بد نیّتی نقص می‌آورند. در آیات شماره ٣٤ فصل اوّل گذشته است:﴿اِنمَا نُطعِمُکُمۡ لِوَجۡهِ اللّٰهِ لاَ نُرِیۡدُ مِنۡکُمۡ جَزَآءً وَّ لاَ شُکُوۡرًا ٥﴾ (ما شما را فقط برای خشنودی خدا طعام میدهیم و از شما عوض و تشکّر نمی خواهیم). و خداوند متعال از خرج کردن به این نیّت که در عوض آن بیشتر برسد بطور خصوصی رسول اکرمﷺ را منع فرمودند. چنانکه در جای دیگر بطور خصوصی به رسول اکرمﷺارشاد شده است:﴿وَلاَ تَمۡنُنۡ

تَسۡتَكۡثِرُ﴾(مدثر۔رکوع۱) "و شما کسی رابه این نیّت ندهید که عوض بیشتری بخواهید" ثواب خرج کردن بخاطر خداوند متعال و افزون شدن آن دردنیا و آخرت است، در آیات و روایات زیادی در فصل اوّل گذشته است. به این خاطر خرج کنندگان باید بسیار احتیاط کنند که در صورت خرج کردن از کسی هرگز امید هیچ نوع عوض یا تشکّری را نداشته باشند و این چیز دیگری است که برای شخص گیرنده (کسی که به او چیزی داده می شود) لازم است که قدر دانِ دهنده باشد و از او تشکر کند، لیکن اگر دهنده به این نیّت بدهد از خشنودی خداوند متعال دور می شود و این عمل برای غرض دنیایی انجام می گیرد و خصوصاً دربارۂ زکات فکر این را هم نباید کرد بلکه چنین فکر کند من که فرض خود را اداء می نمایم برهیچ کسی احسانی نمی‌کنم به همین خاطر در آیۂ مبارکه زکات دادن را مقیّد با نیّت خوشنودی خداوند متعال کرده است.

احادیث

(۱) عَنۡ اِبۡنِ عَبَّاسؓ قَالَ لَمَّا نَزَلَتۡ وَالَّذِيۡنَ يَكۡنِزُوۡنَ الذَّهَبَ وَالۡفِضَّةَ كَبُرَ ذٰلِكَ عَلَى الۡمُسۡلِمِيۡنَ فَقَالَ عُمَرُ اَنَا اُفَرِّجُ عَنۡكُمۡ فَانۡطَلَقَ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ اِنَّهٗ كَبُرَ عَلٰى اَصۡحَابِكَ هٰذِهِ الۡاٰيَةُ فَقَالَ اِنَّ اللّٰهَ لَمۡ يَفۡرِضِ الزَّكٰوةَ اِلَّا لِيُطَيِّبَ مَابَقِيَ مِنۡ اَمۡوَالِكُمۡ وَاِنَّمَا فَرَضَ الۡمَوَارِيۡثَ ذَكَرَ كَلِمَةً لِتَكُوۡنَ لِمَنۡ بَعۡدَكُمۡ فَقَالَ فَكَبَّرَ عُمَرُ ؓ ثُمَّ قَالَ لَهٗ اَلَا اُخۡبِرُكَ بِخَيۡرِ مَايَكۡنِزُ الۡمَرۡءُ اَلۡمَرۡاَةُ الصَّالِحَةُ اِذَا نَظَرَ اِلَيۡهَا سَرَّتۡهُ وَاِذَا اَمَرَهَا اَطَاعَتۡهُ وَاِذَا غَابَ عَنۡهَا حَفِظَتۡهُ۔ رواه ابوداؤد وسکذا فی لمشکوة.

حضرت ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرمایند: وقتی در قرآن مجید آیۂ مبارکه ﴿"وَالَّذِيۡنَ يَكۡنِزُوۡنَ الذَّهَبَ وَالۡفِضَّةَ"﴾ نازل شد بر صحابه کرام ؓ این آیات خیلی سنگین آمد، حضرت عمر ؓ فرمودند: من این مشکل راحل می کنم و به خدمت رسول اکرم ﷺ حاضر شده عرض کرد: یا رسول الله ﷺ این آیه برمردم خیلی سنگین است. رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: خداوند متعال زکات را به این خاطر فرض کرده تا باقی مال شما را خوب و پاکیزه بسازد و میراث هم به همین خاطر فرض شده است که باقیمانده مال شما بعد از شما برای وارثان بماند. حضرت عمر ؓ از خوشحالی الله اکبر گفتند. سپس

رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند آیا من خبر بد هم به بهترین چیزی که باید بصورت خزانه نگه داشته شود؟ آن زن نیکو کاری است که هر وقت شوهر به او نگاه کند خوشحال شود و وقتی که به او دستوری بدهد اطاعت کند، وقتی که شوهر به جایی برود (مالش را) حفاظت کند (که درآن پاکدامنی هم شامل است).

توضیح: در آیات فصل دوّم در شماره پنج این آیهٔ مبارکه و ترجمه اش گذشته است. از ظاهر این آیهٔ مبارکه معلوم می شود که هر نوع ذخیره اگرچه برای ضرورت و احتیاجی جمع کرده شود سبب عذاب شدید قرار می گیرد. به همین خاطر برای صحابه کرامؓ خیلی سنگین تمام شد زیرا که صحابه کرامؓ از دل و جان حاضر بودند که بر ارشادات خداوند متعال و رسول گرامیﷺ عمل کنند. بعضی اوقات به خاطر ضروریات خود شان مجبور می شدند که مقداری مال (درهم وغیره) پس انداز کنند به همین خاطر برای آنها خیلی گران تمام شد. که حلّ آنرا حضرت عمرؓ از رسول اکرمﷺ پرسید. رسول اکرمﷺ اطمینان دادند که زکات برای همین فرض شده که بعد از اداء کردن آن مال پاکیزه می شود و این دلیلی است برای جمع کردن مال، زیرا زکات آن وقت واجب می شود که آن مال یکسالِ کامل موجود باشد. اگر جمع کردن مال ناجائز بود پس زکات چرا فرض شد؟ و نیز از این حدیث فضیلت بزرگی برای زکات معلوم شد که ثواب اداء کردن آن مستقل و جداگانه است به سبب آن، باقیماندهٔ مال هم صاف و پاکیزه می شود. در قرآن مجید به طرف این مطلب اشاره است که خداوند متعال ارشاد می فرماید: ﴿خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيْهِمْ بِهَا....﴾ (سوره توبه- رکوع ۱۳) "از مالهای آنها صدقه بگیر که شما آنها را به ذریعهٔ آن (از آثار گناهان) پاك و صاف می کنید".

در حدیثی ارشاد رسول اکرمﷺ است که زکات مالهای خود را اداء کنید زیرا ذریعهٔ پاك شدن مال شما است.(کنز) در حدیث دیگری است زکات را اداء کنید برای اینکه آن پاك کننده است. خداوند متعال شمارا (به ذریعهٔ آن) پاك می کند. درحدیث دیگری آمده است که مالهای خود را به ذریعهٔ زکات (از ناپاکی و یا از ضایع شدن) محفوظ کنید و بیماران خود را بوسیله صدقه علاج کنید و برای دفع بلاها و مصیبتها دعا ها را آماده کنید.(کنز) در حدیث دیگری است که بوسیله زکات

مال خود را درمان کنید و با صدقه بیماران خود را درمان کنید و برای دور شدن بلاها دعا کنید و با عاجزی کمك بخواهید.(کنز)

بعد از آن رسول اکرمﷺ در حدیث بالا، دوّمین دلیل برای جمع کردن مال را ارشاد فرمودند: حکم میراث به این خاطر بیان شده است که جمع کردن مال جائز است، اگر جمع کردن مال جائز نباشد پس در تقسیم میراث چه چیزی را می خواهند تقسیم کنند؟ سپس رسول اکرمﷺ بر این آگاه فرمودند که جائز بودن چیزی دیگر است؛ اگر چه جمع کردن مال جائز است امّا آن مال برای گذاشتن در خزانه ها نیست. بلکه آن را باید خرج کرد و چیزی که ماندن آن نزد انسان، خوب است همسر نیك است. از بعضی روایات معلوم می شود که صحابه کرام‌ﷺ در این موقع سئوال کرده بودند در جواب رسول اکرمﷺ این ارشاد را فرمودند.

حضرت ثوبانﷺ می فرمایند: هنگامی که این آیهٔ مبارکه ﴿وَالَّذِيْنَ يَكْنِزُوْنَ الذَّهَبَ....﴾ نازل شد ما همراه رسول اکرمﷺ در سفر بودیم بعضی از صحابه عرض کردند: یارسول اللهﷺ کاش می دانستیم: که آنچه باید ذخیره و نگهداری کنیم چیست؟ آنحضرتﷺ ارشاد فرمودند: بهترین چیز، آن زبانی است که ذکر کننده باشد و آن دلی است که شکر گذار باشد و آن زن نیکی است که در کار های دین یار و مددگار باشد.(درمنثور) در حدیثی آمده است وقتی این آیهٔ مبارکه نازل شد.رسول اکرمﷺ فرمودند: طلا و نقره هلاك شوند چه چیز بدی هستند. این را سه بار تکرار فرمودند. بنابر این صحابهﷺ عرض کردند پس حفاظت و ذخیرهٔ چه چیزی بهتر است؟ رسول اکرمﷺ ارشاد فرمودند: زبانی که مشغول به ذکر خدا باشد و دلی که از خداوند متعال بترسد و آن زن نیکی که در کار های دین، مُعین و مددگار باشد.(تفسیرکبیر)

تعلیم رسول اکرمﷺ چقدر پاك و کامل است که بابیان اجازهٔ نگه داشتن مال، ناپسند بودن جمع آوری آن را نیز بیان فرمودند. و چیزی که در دنیا سبب راحتی باشد و در آخرت مفید به طرف آن هَم رهنمائی فرمودند که زبان ذکر کننده و دل شکر کننده آن چیزهائی هستند. که در دنیا سبب راحتی و درآخرت مفید می باشند و آن لذّت دنیا را هم بیان کردند که سبب آسایش زندگی است و آن فتنه ای که در مال وجود دارد درآن نیست و هر نوع راحتی از آن میسّر می شود، آن همسر است، به شرطی که نیك،

دیندار، فرمانبردار و فهمیده باشد که مال و متاع شوهر را حفاظت کند.

(۲). عَنْ اَبِي الدَّرْدَاءِ عَنْ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اَلزَّكٰوةُ قَنْطَرَةُ الْاِسْلَامِ.(رواه الطبرانی فی الاوسط الكبير كذا فی الترغيب)

ارشاد رسول اکرمﷺ است که زکات پل (خیلی محکم) اسلام است.

توضیح: همانطوریکه پل محکم برای رفتن به جایی سبب سهولت می شود، همینطور زکات ذریعه و راهی آسان برای رسیدن به حقیقت اسلام یا رسیدن تا بارگاه عالی خداوند متعال است. عبدالعزیز بن عُمیرؒ، نوهٔ عمر بن عبدالعزیزؒ می فرمایند: که نماز انسان را تا نصف راه می رساند و روزه تا دروازهٔ پادشاه و صدقه تو را نزد پادشاه می رساند.(اتحاف)

با پُل یك مناسبت باریکی است از کلام حضرت شقیق بلخیؒ هم معلوم می شود ایشان می فرمایند: ماپنج چیز را تلاش کردیم آن را در پنج جا یافتیم. برکت روزی را در نماز چاشت و روشنی قبر را در نماز تهجّد و جواب منکر و نکیر را در تلاوت قرآن و به آسانی گذشتن از پُل صراط را در روزه و صدقه و سایه عرش را در خلوت یافتیم.(فضائل نماز)

(۳) عَنْ جَابِرٍ﷜ قَالَ قَالَ رَجُلٌ، يَّارَسُوْلَ اللّٰهِ اَرَاَيْتَ اِنْ اَدّٰى الرَّجُلُ زَكٰوةَ مَالِهٖ فَقَالَ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ اَدّٰى زَكٰوةَ مَالِهٖ فَقَدْ ذَهَبَ عَنْهُ شَرُّه‌ٗ.
(رواه الطبرانی فی الاوسط و ابن خذيمه فی صحيحه و الحاكم مختصرا و قال صحيح علی شرط مسلم كذا فی الترغيب)

ارشاد رسول اکرمﷺ است هر شخصی که زکات مال را اداء کند، شرّ آن از او دور می شود.

توضیح: در بعضی روایات این مضمون، اینطور آمده است وقتی که تو زکات مال را اداء نمایی شرّ آن مال را از بین بردی.(کنز) یعنی مال سبب شرّو بلایِ زیادی است لیکن اگر زکات آن با اهتمام اداء شود انسان از شرّ آن محفوظ می ماند به اعتبار آخرت ظاهر است که به خاطر آن مال عذاب داده نمی شود. از اعتبارِ دنیوی مال او محفوظ می ماند برای اینکه اداء کردن زکات ذریعه محفوظ ماندن مال است چنانکه که درحدیث بعد می آید و اگر زکات آنرا اداء نکند ضایع می شود در فصل آینده در شماره ٦ خواهد آمد.

٤. عَنِ الْحَسَنِ قَالَ قَالَ رَسُوْلِ اللهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَصِّنُوْا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكٰوةِ وَ دَاوُوْا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ وَ اسْتَقْبِلُوْا اَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ۔ (رواه ابو داؤد فی المراسیل و رواه الطبرانی و البیهقی و غیرهما عن جماعت من اصحابه مرفوعاً متصلاً والمرسل اشبه کذا فی الترغیب)

ارشاد رسول اکرم ﷺ است که مالهای خود را به ذریعهٔ زکات محفوظ نگه دارید و بیماران خود را با صدقه علاج کنید و موجهای مصیبت و بلا را با دعا و عاجزی کردن در نزد خداوند متعال استقبال کنید.

توضیح: معنای تحصین، ساختن قلعه است. همانطوریکه انسان از نشستن در قلعه ازهر طرف حفاظت می شود همینطور اداء کردن زکات، مال را محفوظ می کند مانند این است آن مال در قلعه محفوظ شده باشد در حدیثی آمده است که رسول اکرم ﷺ در مسجد الحرام در حَطِیم (دیوار کعبه، مابین رُکن و زمزم و مقام) تشریف فرما بودند. شخصی آمد و گفت: که به فلانی ها ضرر زیادی رسید امواج دریا اموال آنها را از بین برد. رسول اکرم ﷺ ارشاد فرمودند: بیابان باشد یا دریا هر جا که مالی ضایع می شود، این به سبب ندادن زکات است، مالهای خود را به ذریعهٔ اداء کردن زکات محفوظ کنید و بیماران خود را با صدقه علاج کنید و نزول بلاها را با دعا دور کنید دعا آن مصیبت را که نازل شده دور می کند و آن بلا را باز می دارد که نازل نشده است. وقتی خداوند متعال بقای قومی را بخواهد و یا ارادهٔ افزونی داشته باشد پس به آن قوم پاکی از گناهان و جوانمردی (یعنی جود و بخشش) عطاء می فرماید و وقتی که بخواهد قومی را از بین ببرد، در بین آنها خیانت را پیدا می کند.(کنز)

(٥) رُوِيَ عَنْ عَلْقَمَةَ اَنَّهُمْ اَتَوْا رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَقَالَ لَنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ تَمَامَ اِسْلَامِكُمْ اَنْ تُؤَدُّوْا زَكٰوةَ اَمْوَالِكُمْ۔

(رواه البزار کذافی الترغیب)

حضرت علقمه رضی الله عنه می فرمایند: وقتی که جماعت ما در خدمت رسول اکرم ﷺ حاضر شد، آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند: اسلام شما زمانی کامل می‌شود که زکات مال خود را اداء کنید.

توضیح: موقوف بودن تکمیل اسلام بر ادای زکات ظاهر است زیرا وقتی که زکات رکنی از ارکان پنجگانهٔ مشهور اسلام(اقرار کلمه، نماز، روزه، حج، زکات) است

پس تا وقتی که یك رکن هم کم باشد اسلام کامل نخواهد شد.

حضرت اَبُو ایّوبؓ می فرمایند: شخصی به خدمت رسول اکرمﷺ حاضر شد و عرض کرد به من عملی نشان بدهید که عمل کردن به آن مرا داخل جنّت کند. آنحضرتﷺ فرمودند: خدا وند متعال را عبادت کن و کسی را با او شریك نساز و نماز را بر پادار، زکات را اداء کن و صلهٔ رحم کن.

در حدیث دیگری آمده است: یك اعرابیؓ سئوال کرد به من اینطور عملی را بگویید که آن را انجام داده داخل جنّت شوم. رسول اکرمﷺ فرمودند: خدارا عبادت کن و با او کسی را شریك مکن و نماز فرض را با اهتمام بجا آور، زکات فرض را اداء کن و روزهٔ رمضان شریف را بگیر. آن شخص عرض کرد قسم به آن ذاتی که جان من درقبضهٔ اوستِ در این نه یك ذره کم می کنم و نه زیاد. وقتی که او رفت رسول اکرمﷺ فرمودند: هر شخصی که می خواهد از دیدن یك جنّتی دل خود را شاد کند این شخص رانگاه کند. (ترغیب)

٦. عَنْ عَبْدِاللّٰهِ ابْنِ مُعَاوِيَةَ الْغَاضِرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلٰثٌ مَّنْ فَعَلَهُنَّ فَقَدْ طَعِمَ طَعْمَ الْاِيْمَانِ مَنْ عَبَدَ اللّٰهَ وَحْدَهٗ وَعَلِمَ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاَعْطٰى زَكٰوةَ مَالِهٖ طَيِّبَةً بِهَا نَفْسُهٗ رَافِدَةً عَلَيْهِ كُلَّ عَامٍ وَلَمْ يُعْطِ الْهَرِمَةَ وَلَا الدَّرِنَةَ وَلَا الْمَرِيْضَةَ وَلَا الشَّرَطَ اللَّئِيْمَةَ وَلٰكِنْ مِّنْ وَّسَطِ اَمْوٰلِكُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَمْ يَسْأَلْكُمْ خَيْرَهٗ وَلَمْ يَأْمُرْكُمْ بِشَرِّهٖ. (رواه ابو داؤد كذا فى الترغيب)

ارشاد رسول اکرمﷺ است هر شخص این سه عمل را انجام دهد لذّت ایمان را می چشد. فقط عبادت کند و یقین داشته باشد که غیر از او هیچ معبودی نیست، زکات مال را هر سال با رضایت قلبی اداء کند (آنرا باری بر خود نداند) و در زکات (حیوانات) حیوان پیر، خارشی، مریض و یا رنجوری ندهد بلکه حیوانی متوسط را بدهد خداوند متعال در زکات بهترین مال شما را نمی خواهد، امّا امر به مال ضعیف هم نمی فرماید.

توضیح: در این حدیث اگر چه بیان زکات حیوانات است لیکن قانون زکات هر چیزهمین است نه بهترین مال واجب است، نه پست ترین آن جایز است بلکه اصل،

مال متوسط است. البته اگر شخصی با رضایت قلبی خود برای حاصل کردن ثواب و خشنود کردن خداوند متعال بهترین مال را اداء کند پس نیك بختی و سعادت او است. در این بحث احوال صحابه کرام رضی الله عنهم را با توجّه بنگر ید و طرز عمل آنها را تحقیق کنید. دو واقعه بطور نمونه در اینجا نقل می کنم.

مسلم بن شُعبهٔ می گوید که نافع بن عَلقمهٔ، پدرم را سردار قوم ما قرار داده بود و یکبار ایشان به پدرم حکم کردند که زکات مال قوم را جمع کرده و نزد من بیاور، پدرم مرا برای وصول کردن و جمع کردن زکات مال فرستاد و من نزد ریش سفیدی که نام او سِعر بود برای گرفتن زکات رفتم. ایشان از من پر سیدند. برادر زاده، از چه نوع مالی می گیری. من گفتم بهترین را می گیرم، حتی که پستان گوسفندان را نگاه می کنم تا ببینم بزرگ هستند یا کوچك یعنی هر چیز را نگاه کرده و ازهر لحاظ بهترین را انتخاب می کنم. ایشان فرمودند که من اوّل برای شما حدیثی بیان می کنم (تا مسئله را بدانی بعد از آن هرچه دلت می خواهد ببر) من در زمانهٔ رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در همین محل زندگی می کردم. نزد من دو قاصد از طرف آنحضرت صلی الله علیه وسلم تشریف آوردند و گفتند: ما را آنحضرت صلی الله علیه وسلم برای گرفتن زکات نزد شما فرستاده است من به آنها گوسفندان خود را نشان داده و سئوال کردم؟ از اینها چقدر واجب است؟ آنها شمار کرده گفتند: یك گوسفند واجب است. من یك گوسفند خیلی خوب که چربی و شیر بسیار زیادی داشت، جدا کردم تا برای زکات بدهم آن دو شخص آن را دیده گفتند این برّه دارد، ما از طرف رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اجازه گرفتن این نوع گو سفند رانداریم. من پرسیدم از کدام نوع می گیرید؟ آنها گفتند برّهٔ شش ما هه یا بزیکساله. من یك برّهٔ شش ماهه جدا کرده به آنها داده و آن را با خود بردند. (ابوداؤد) در این واقعه در ابتدا حضرت سِعر رضی الله عنه می خواست بهترین را از میان برّه ها انتخاب نموده تا آن را زکات بدهد و به این خاطر این واقعه را برای ابن نافع بیان کرد تا او مسئله را بداند و از طرز عمل آنها در این واقعه معلوم می شود که ایشان می خواستند بهترین مال خود را زکات بدهند.

واقعه دوّم: حضرت اُبَیّ بن کَعب رضی الله عنه می فرمایند: باری رسول اکرم صلی الله علیه وسلم من را برا ی گرفتن زکات فرستادند من نزد شخصی رفتم. وقتی که او شترهای خود را جلوی من آورد من آنها را دیدم بر شترهای او یك شتر ماده یکساله واجب بود. به

اوگفتم شتر مادهٔ یکساله ای بده. او گفت شتر مادهٔ یکساله به چه کاری می آید نمی‌توان برآن سوار شد و نه شیری داردکه ازآن استفاده کرد این را گفته، یك شتر فربه و بزرگی را آورد و به من گفت این را ببر. من گفتم این رانمی توانم قبول کنم، البته رسول اکرمﷺ درسفر همراه ما هستند و امروز استراحتگاه آنها نزدیك شما است اگر دل شما می خواهد آن را در خدمت آنحضرتﷺ تقدیم کنید. اگر آنحضرتﷺ اجازت دادند من آن را قبول می کنم. آن شخص با همان شتر همراه من حرکت کرد وقتی ما به خدمت رسول اکرمﷺ رسیدیم، او عرض کرد یا رسول اللهﷺ قاصد شما نزد من آمده بود که زکات مال مرا بگیرد قسم بخدا این سعادت قبل از این هرگز نصیب من نشده که رسول اکرمﷺ یا قاصد شان از من مال طلب کرده باشند. من شتر های خود رادر پیش قاصد شما آوردم او آنها را دیده و گفت: براینها یك شترماده یکساله واجب است. یا رسول اللهﷺ شتر ماده یکساله به چکار می آید نه شیری داردکه ازآن استفاده کرد.و نه می توان برآن سوارشد به همین خاطر من بهترین شتر را در خدمت او تقدیم کردم و آن شتر اکنون همراه ما است، قاصد شما از قبول کردن آن انکار کرد به همین منظور در خدمت شما آمده ام. یا رسول اللهﷺ خواهش می کنم آن را قبول فرمائید. آنحضرتﷺ فرمودند: برتو همان واجب است که او گفته است. اگر شما برای خشنودی خداوند متعال شتر بزرگتر و قویتری می دهید پس خداوند متعال به شما اجرآن را می دهد. آن شخص عرض کرد یا رسول اللهﷺ من به همین خاطر آن شتر را با خود آورده ام که قبول فرمائید. آنحضرتﷺ اجازه گرفتن آنرا دادند.(ابوداؤد)

در دلهای آن حضرات برای اداء کردن زکات مال شوق بسیار زیادی بود که براین فخر کرده و آنرا عزّت می دانستند که امروز قاصد خدا و رسول خداﷺ نزد من آمده است و این لیاقت نصیب من شده است. آنها زکات راجریمه و اجبار نمی‌دانستند آن را نیاز و حاجت خود و وظیفه خود می دانستند ما مردم دربارهٔ مال خوب چنین فکر می کنیم که آنرا نزد خود نگه داریم که به ما فائده می دهد ولی آن حضرات فائدهٔ خود را در این می دانستند که در راه خداوند متعال خرج کرده شود. واقعهٔ حضرت ابوذرؓ درآیات فصل اوّل در ذیل شماره ۱۱ گذشت. وقتی که

شخصی از قبیله بنی سُلیم درخواست ماندن در خدمت ایشان را کرد، پس ایشان فرمودند به این شرط، اجازۀ ماندن داری که هر وقت من برای صدقه دادن چیزی بگویم همان چیزی که از همه عمده تر و بهتر باشد انتخاب کرده بدهید.

این قصّه باتفصیل گذشته است. در احادیث فصل آینده در شماره ۱۰ این مضمون با شرح کامل خواهد آمد که در زکات و صدقات خصوصاً در زکات، مال خراب را هرگز نباید داد.

(۷) عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رضی الله عنه اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ قَالَ اِذَا اَدَّیْتَ الزَّکٰوةَ فَقَدْ قَضَیْتَ مَا عَلَیْكَ وَمَنْ جَمَعَ مَالًا حَرَامًا ثُمَّ تَصَدَّقَ بِهٖ لَمْ یَکُنْ لَه' فِیْهِ اَجْرٌ' وَکَانَ اِصْرُه' عَلَیْهِ (رواه ابن حبان وابن خزیمة فی صحیحیهما والحاکم وقال صحیح الاسناد کذا فی الترغیب)

ارشاد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است: وقتی زکات مال را اداء کنی پس آن حقّی (واجبی) که برعهدۀ تو بود، اداء شد (بعد از آن فقط درجۀ نوافل است) و هر شخصی که به طریق حرام (سود، رشوه وغیره) مال جمع کرده صدقه کند از این صدقه به او هیچ ثوابی نمی رسد بلکه گناه کسب حرام بر او باقی می‌ماند.

توضیح: در این حدیث پاك دو مطلب وارد شده است. مطلب اوّل این است، زکات درجۀ واجب را دارد علاوه ازآن باقی درجات، نوافل و صدقات هستند. در حدیث دیگر ی است:هر شخص زکات مال خود را اداء کند آن حقّی را که براو واجب بود اداء کرد و بیشتر از آن هر چه اداء کندافضل است.(کنز) حدیث حضرت ضمام بن ثَعْلَبَه رضی الله عنه مشهور است در بخاری شریف، مسلم شریف و در تمام کتب به اسناد مختلفی ذکر کرده شده است، حضرت ضِمام رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم دربارۀ اسلام و ارکان اسلام سئوالاتی پرسیدند و آنحضرت صلی الله علیه وسلم به تمام آنها بطور کامل جواب دادند. آنحضرت صلی الله علیه وسلم در آن از جمله دیگر ارکان، زکات را هم ذکر فرمودند. حضرت ضِمام رضی الله عنه پرسیدند علاوه از زکات بر من چیزی واجب است؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم ارشاد فرمودند: خیر، البته اگر بطور نفل اداء بکنی اختیار داری.

در زمانۀ حضرت عمر رضی الله عنه شخصی مکان خود را فروخت.حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: قیمت آنرا با احتیاط در منزل خود دفن کن. او عرض کردآیا در این

صورت در کنز داخل نمی شود. حضرت عمرﷺ فرمودند: مالی که زکات آن اداء کرده شود در کنز داخل نمی شود. ارشاد ابن عمرﷺ است من باکی ندارم از این که در نزد من برابر کوه اُحُد طلا باشد زکات آنرا اداء بکنم و درآن اطاعت خداوند متعال را نمایم. (دُرّمنثور)

از این نوع روایات، روایتهای بسیار زیادی در کتابهای حدیث آمده: مذهب جمهور علماء وائمه اربعه این است که در مال به حیثیت مال، علاوه از زکات مال، چیز دیگری واجب نیست. البته از جهات دیگر اگر واجب باشد مسئله دیگری است مانند نفقهٔ همسر و اولاد کوچك و دیگر مخارج یا برآورده کردن احتیاج پریشان حالی که به سبب گرسنگی یا تشنگی درحال مرگ باشد نجات دادن او از مرگ، فرض کفایه است. امام غزالیؒ دراحیاءُ العلوم می فرمایند: مذهب بعضی تابعین این است که درمال علاوه بر زکات، حقوق دیگریٌ نیز هست همانطور که مذهب نخعیؒ، شعبیؒ و عطاءؒ و مجاهدؒ است. از امام شعبیؒ کسی پرسید درمال علاوه بر زکات حقّ دیگری وجود دارد؟ ایشان فرمودند: بلی و آیهٔ قرآن مجید ﴿وَاٰتَی المَالَ عَلٰی حُبِّهٖ﴾ را تلاوت فرمودند. که در آیات فصل اوّل در شماره ۲ گذشته است. این حضرات می‌فرمایند: این در حقوق مسلمان داخل است، که بر ثروتمندان ضروری است هر وقت نیازمندی را ببینند نیاز او را برآورده کنند لیکن به اعتبار فقه صحیح این است که وقتی شخصی به حالت و درجهٔ اضطرار برسد پس دور کردن پریشانی او، فرض کفایه است، لیکن دراینکه دور کردن پریشانی او بطور قرض کرده شود یا بطورکمك، نزد فقهاء مختلف فیه است. (احیاء)

کمك به مضطر (پریشان حال) درجای خود مستقلاً واجب است هنگامی که او به سبب گرسنگی یا تشنگی یا به سبب دیگر نزدیك به مرگ باشد لیکن بر ثروتمند به حیثیت مالدار بودن از زکات بیشتر واجب نیست.

در اینجا دو امر قابل توجّه هستند. اوّل افراط، این عادت ما مردم است که وقتی به طرف چیزی می رویم اینقدر عجله می کنیم که یك کمی هم حدود را رعایت نمی‌کنیم به همین خاطر رعایت این ضروری است زیرا گرفتن مال شخص بدون رضایت قلبی صاحب مال جائز نیست. البته فقهاء برای مُضطَرّ، اجازهٔ خوردن مال

دیگران را داده اند، لیکن در نزد حنفیه هم دو قول است که خوردن مردار از خوردن مال دیگران مقدم است یا مالِ دیگران از خوردن مردار مقدم است. همانطوری که در کتب فقه ذکر شده است لیکن این لازم است که به آن حالتی برسد که برای او اجازهٔ خوردن مردار باشد در آن وقت مال دیگران را می تواند بخورد. ارشاد خداوند متعال است:

وَلَا تَاْكُلُوْٓا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوْا بِهَا اِلَى الْحُكَّامِ لِتَاْكُلُوْا فَرِيْقًا مِنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ۝ (بقره۔رکوع۲۳)

مال یکدیگر را به ناحقّ نخورید و آنها را پیش حکّام هم به این نیّت نبرید (یعنی به حکّام رشوت ندهید) که یك حصّه از مال آنها را به طریق گناه بخورید و شما این رامی دانید.

ارشاد رسول اکرمﷺ است که بر کسی ظلم نکنید و برداشتن مال کسی بدون رضایت صاحبش حلال نیست.(مشکوه، زیلعی) حدیث مشهور رسول اکرمﷺ است که هر شخص یك وجب زمین کسی را به ظلم بگیرد، روز قیامت آن یك وجب تا هفت طبقهٔ زمین (حلقه) شده برگردنش انداخته می شود، (مشکوة)

قصّهٔ وَفد[1]-هَوازِن[2]-مشهور است آنها بعد از شکست خوردن، مسلمان شدند و به خدمت رسول اکرمﷺ حاضر شده و درخواست کردند که هر مال و اسیری که بصورت غنیمت از دست آنها رفته برگردانده شود. رسول اکرمﷺ به سبب بعضی مصلحتها وعده نمود و فرمودند برگرداندن هر دو چیز مشکل است یکی از آنها رامی- توانیم برگردانیم، آنها درخواست برگرداندن اسیرها را کردند. پس آنحضرتﷺ به تمام مسلمانان که در اسیرها حقّی داشتند این اعلان را فرمودند من وعده. برگرداندن اسیرها را کرده ام هر شخصی از شما با رضایت قلبی، حصّهٔ خود را مجّانی برمیگرداند، برگرداند و کسی که اینطور پسند نمی کند ما عوض او را به وی خواهیم داد. بعد از ارشاد رسول اکرمﷺ درصحابه رضی الله عنهم چه شخصی پیدا می شد که انکار کند! صحابه کرام رضی الله عنهم عرض کردند همه بارضایت قلبی برمی‌گردانیم، آنحضرتﷺ فرمودند: دربین جمع معلوم نمی شود که چه کسی با رضایت قلبی.

---

۱. وفد: هیئتی که برای رسانیدن پیام فرستاده می شوند. ۲. هوازن:قبیله ای از قبائل عرب

اجازه می دهد و چه کسی نمی دهد، به همین خاطر سرداران شما جداگانه با شما گفتگو کرده از رضایت شما مرا خبر کنند.(بخاری)

روش رسول اکرمﷺ این بود که در مال دیگران احتیاط می کردند و در تأیید این مضمون احادیث زیادی وجود دارد که گرفتن مال دیگران به زور و اجبار و بدون رضایت هر گز جائز نیست. علمای حقّ، در این مورد، آنقدر احتیاط کرده اند که آنچه را که در جمع آوری عمومی برای کار خیری بسبب حیاء ازمردم داده می‌شد، پسند نمی فرمودند. به این خاطر از یك طرف پرهیز از زیاده روی لازم است و از طرف دیگر نباید که به زور و نارضایتی مال کسی گرفته شود و هیچ وقت از نهضتی یا حزبی مرعوب نشویم و هرگز قول و فعل و یا تحریر و بیان ما خلاف علمای گذشته نباشد. شوق و علاقهٔ مسکین نوازی بسیار پسندیده است، ولی در این هرگز نباید از حدود تجاوز کرد. ارشاد پاك رسول اکرمﷺ است، بدترین انسانها آن شخصی است که برای دنیای شخصی دیگر، به آخرت خود نقصان برساند.(مشکوه) به همین خاطر از یك طرف اجتناب از افراط و (زیاده روی) ضروری است. و از طرف دیگر، از تفریط (کوتاهی) اجتناب کردن هم، بسیار ضروری و اهم است.

این درست است که درمال فقط زکات واجب است لیکن فقط بر ادای واجب کفایت کردن هرگز مناسب نیست. همانطور که همه آن روایاتی که تابه حال در این رساله بیان شده اند با صدای بلند این را اعلام میکنند که به انسانْ فقط همان مالی فائده می دهد که در زندگی خود در راه خداوند متعال خرج کرده و نزد خداوند جمع کرده باشد. بعداً نه پدر و مادر یادی ازانسان می کنند و نه زن و فرزند. همه چند روز اشك مجّانی ریخته و درکار های خود مشغول می شوند هیچ کسی هم در ماهها و سالها فکر و یاد مُرده را نمی کند اگر از همه اینها صرف نظر کنیم در حدیث بالا یك مسئله کلی و مهم را باید در ذهن نگه داشت که در رابطه با دین یك جمله بیهوده بر زبانهای ما است "خیلی خوب، است از ما فقط فرائض اداء شود غنیمت است، نوافل کار بزرگان است" این فریب شیطان است زیرا نوافل برای تکمیل فرائض هستند. کدام شخص می تواند این را یقین کند، که من یك فرض از فرائض خداوند متعال را بطور کامل انجام داده ام. وقتی که در فرائض کوتاهی و کمی

می‌ماند پس نوافل برای کامل کردن فرائض می باشند.

ارشاد رسول اکرمﷺ است انسان از نماز در حالی فارغ می شود که برای او از ثواب یك دهم یایك نهم یا یك هشتم یایك هفتم یا یك ششم یا یك پنجم یا یك چهارم یایك سوّم یا نصف آن نوشته می شود (ابوداود).این را رسول اکرمﷺبطور مثال ارشاد فرمودند: نماز هایی که ما مردم می خوانیم اگر یك هزارم بلکه یك صدهزارم حصۀ آن هم نوشته شود فقط لطف و کرم خداوند متعال است وگرنه به سبب بداعمالی و نبودن اخلاص نمازهای ما چنانند که در حدیث دیگری آمده بعضی از نماز ها بصورت پارچۀ کهنه ای پیچیده شده، بر صورت نماز خوان به شدّت زده می‌شود زیرا هیچ درجه ای برای قبولیت آن نمی باشد.در این اعمال نمی توان گفت که چند حصّه از فرائض برای ما نوشته شده.

در حدیث دیگری آمده است در قیامت قبل از همۀ اعمال، از نماز حساب گرفته می شود.خدا وند متعال به فرشتگان ارشاد می فرماید نماز بندۀ مرا نگاه کنید ناقص است یا کامل،اگر کامل باشد کامل نیز نوشته می شود واگر ناقص باشد کمی آن نیز نوشته می شود. سپس ارشاد می شود نگاه کنید این بنده نوافلی دارد یا نه،اگر نوافل داشته باشد'از آنها فرائض کامل کرده می شوند، بعد ازآن حساب و کتاب زکات هم همینطور گرفته می شود، یعنی اوّل حساب فرائض می شود،در صورت کمی در فرائض با نوافل تکمیل کرده می شوند و بعد از این حساب وکتاب بقیه اعمال شروع می شود.(ابوداؤد)

در چنین حالتی هیچ شخصی هرگز نباید مغرور باشد، که من زکات را کاملاً با حساب می دهم، معلوم نیست چقدر کوتاهی در ادای زکات صورت بگیرد، پس برای جبران آن باید هر چه بیشتر ذخیره صدقات نافله نزد ما باشد. چنانکه وقتی که انسان در دادگاه برای پرونده می رود همیشه بیشتر از خرج لازم، پول در جیب خود می گذارد زیرا معلوم نیست چقدر خرج به پیش آید. درصورتی که آن دادگاه از همۀ دادگاهها مهم تر است. جایی که نه دروغ به کار می آید،نه سخنوری و نه سفارش،البته رحمت خداوند متعال از همه چیز بالا تر است. او صاحب این حقوق است اگر تمامی آنها را هم عفو کند اختیار دارد.لیکن این قانون است که هیچ کس

به امید بخشش شاهانه جرم نمی کند به همین خاطر مقدار فرض را با اهتمام زیاد و با رعایت شرائط و آداب آن باید اداء نمود و هرگز نباید بر اداء کردن فرائض قناعت کرد. بلکه از خوف کمی ها، برای تکمیل آنها بیش از پیش ذخیرهٔ نوافل باید داشته باشیم.

علامه سُیُوطیؒ در مرقاةُالصُعُود نقل کرده اند که هفتاد نفل برابر یك فرض است. به همین خاطر فرائض را باید با اهتمام زیادی اداء کرد از کمی وکوتاهی در این. ذخیرهٔ بسیار زیادی از نوافل بجای فرائض گذاشته می شود و با وجود اهتمام در فرائض باید بطور احتیاط ذخیرهٔ بسیار بزرگی از نوافل در اعمال نامهٔ خود محفوظ گذاشت. مضمون دوّم در حدیث بالا این است که هر شخصی مال حرام جمع کند و از آن صدقه بدهد به او ثواب صدقه نمی رسد. در روایات زیادی این مضمون ذکر کرده شده است که خداوند متعال صدقهٔ مال حلال را قبول می فرماید. در حدیثی است که خداوند متعال صدقه مال غُلُول را قبول نمی فرمایند. خیانت در مال غنیمت را "غُلُول" می گویند. علماء نوشته اند که غُلُول را به این خاطر ذکر فرموده اند، که در مال غنیمت همه سهم دارند. وقتی صدقه از مالی که خود او هم درآن سهم دارد قبول نمی شود پس از مالی که خود او هیچ سهمی نداشته باشد به طریق اَوْلیٰ صدقه قبول نمی شود.

در حدیثی ارشاد رسول اکرمﷺ است هر شخصی که مال حرام کسب می کند اگر خرج کند پس درآن برکت نمی باشد، اگر صدقه کند قبول نمی شود، بطور میراث بعد از فوت خود بگذارد. گویا توشهٔ جهنّم را گذاشته است. حضرت ابن ـ مسعودؓ می فرمایند: هر شخصی که مال حلال کسب کند اداء نکردن زکات، آن مال را ناپاك می کند و آن شخصی که مال حرام کسب کند اداء کردن زکات، آن مال را پاك نمی سازد. (در منثور)